

کیمیاگر نقش و رنگ

به یاد استاد ابوطالب مقیمی

سید محمود افتخاری

شعبه شیمی و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه عالی علمی و تحقیقاتی امام خمینی

اوج و اعتلای هنر همیشه ماندگار نگارگری معاصر ایران در نیم قرن اخیر، مرهون تلاش و کوشش هنرمندان چیره دستی است که با شوق و علاقه وصف ناپذیر سرانگشتان پرتوان خود را در ترسیم شورانگیزترین و دلنشین ترین نقوش و نگاره ها به گردش درآورده، و یادگارهای کهن فرهنگ و ادب ایران زمین را در شاهکارهای مینیاتور عصر حاضر نقش کرده اند - هنرمندانی اغلب گمنام و فراموش شده که گلستانهای پر نقش و رنگ آفریدند - شاهکارهایی که راز جاودانگی هنر ایران را به دوران کنونی پیوند می دهد.

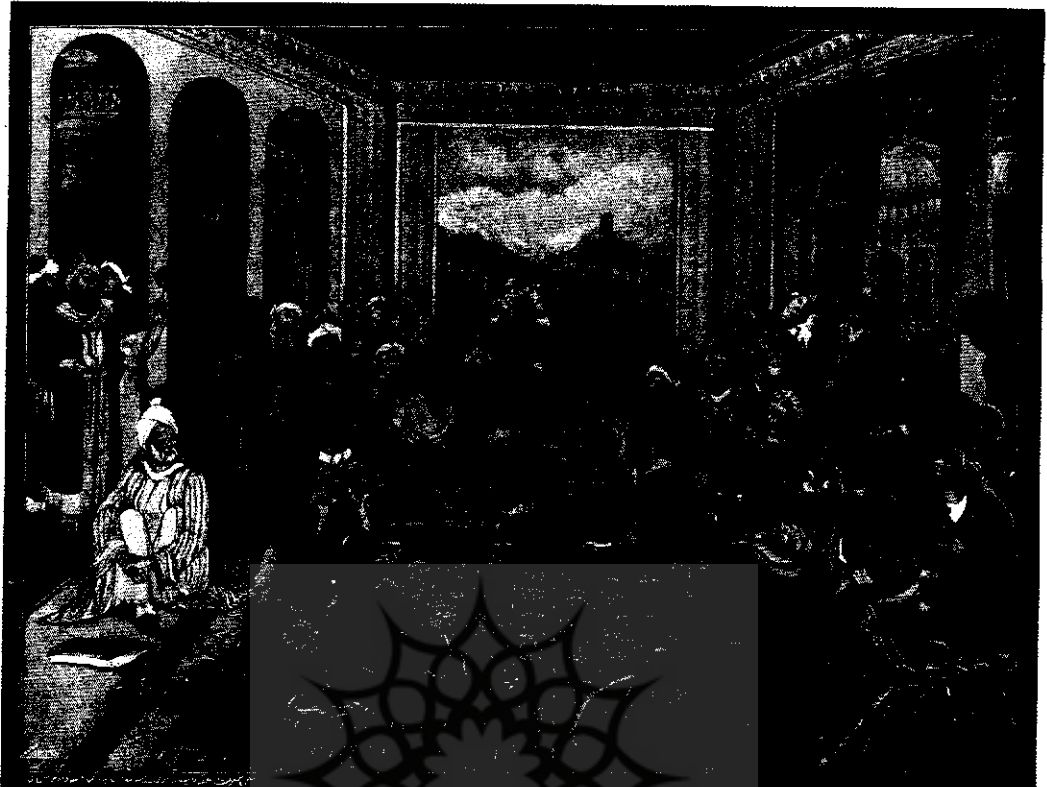
یکی از اساتید زنده و هنرمندان صاحب سبک در مینیاتور معاصر، که آثار ارزشمندش نشانگر ذوق و استعداد فوق العاده او در زمینه هنر مینیاتور ایران تلقی می گردد، زنده یاد ابوطالب مقیمی تبریزی است - هنرمندی از تبار عاشقان گمنام این هنر که آثارش در زمره شاهکارهای نگارگری معاصر شناخته شده و معیارهای سبکی ویژه در نقاشی ایرانی را در خود متجلی ساخته است. بی شک تاریخ هنر نقاشی، میزان سهم و قدر این مرد فرزانه را در ارائه جلوه های ویژه در مینیاتور معاصر به مقیاسی وسیع ارزیابی خواهد کرد.

استاد ابوطالب مقیمی تبریزی در سال ۱۲۹۱ شمسی در تهران متولد شد. پدرش حاج محمدحسین تاجر قماش بود و به انواع خطوط آشنایی داشت و به خوشنویسی و حسن خط مشهور بود. حاج محمدحسین هشت فرزند داشت. ابوطالب بین چهار برادر خود کوچکتر از همه بود، ولی مانند دیگر برادران به خط و نقاشی عشق می ورزید و استعداد فراوانی از خود بروز می داد. بدین ترتیب استاد در محیطی هنری پرورش یافت. منزل مسکونی ایشان با طرح معماری سنتی و در و پنجره های اُرسی، که از قطعات کوچک شیشه های رنگین پوشیده شده بود، شور و شوق ابوطالب، نوجوان صاحب ذوق را به

دنیای هنرهای اصیل هدایت می کرد. کاشیهای زیبا و پر نقش و نگار زیرزمین خانه، اغلب، الگوهای اوکیه استاد در کپی برداری از طرحهای سنتی بودند. گاه مدتها غرق تماشای این نقوش و نگاره ها می شد و از دیدن این همه زیبایی شور و اشتیاقی وصف ناپذیر پیدا می کرد. پدر که دریای ذوق و شوق را در وجود فرزند می یافت اسباب و لوازم نقاشی را برای او مهیا می نمود.

استاد مقیمی به موسیقی نیز علاقه داشت و از صدایی گرم و گیرا برخوردار بود. مدتی نزد اساتید موسیقی آن زمان تعلیم آواز دید و با الحان و گوشه های آواز ایرانی آشنا شد. اما سرانجام هنر نقاشی را برای متجلی ساختن انگیزه های معنوی و درونی خود برگزید و در این عرصه ذوق آزمایی کرد. وی بر اثر این شور و ذوق در هجده سالگی وارد مدرسه کمال الملک، آن محضر پر عشق و صفای هنر، گردید و آناتومی و طبیعت سازی را از محضر استادانی چون مرحوم اسماعیل آشتیانی، محمدعلی حیدریان، حسین شیخ و علی رخساز فرا گرفت. او تمام تاب و توان جوانی را در کسب مبانی و اصول نقاشی به کار برد و در آموختن این هنر روز و شب نمی شناخت. در این مسیر به تدریج با مکاتب نقاشی ایرانی انس و الفت یافت و با آثار استادان بزرگ و نام آوری چون کمال الدین بهزاد، معین مصور و رضا عباسی آشنا شد و تحت تأثیر مکتب کمال الدین بهزاد، به شیوه های قلم گیری رضا عباسی نیز دل بست و کوششی وصف ناپذیر در راه شناخت سبک و شیوه آنان به کار گرفت.

بدین ترتیب، مقیمی به دنیای پرجذبه و کشش مینیاتور ایرانی قدم نهاد و به هنرستان عالی هنرهای ایرانی (مدرسه صنایع مستظرفه و قدیمه) وارد گردید و در کلاس شادروان هادی تجویدی به فراگیری مینیاتور دل سپرد. استاد تجویدی که نبوغ او را در مدرسه



است. آثار مینیاتوری ایشان در نمایشگاه جهانی بروکسل (سال ۱۹۵۸ میلادی) مدال و دیپلم گراندپری را برای هنر ایران به ارمغان آورد.

استاد مقیمی در سال ۱۳۴۸ شمسی، هنگامی که هنوز دستان پرتوانش قدرت نقش آفرینی داشتند، بر اثر بیماری بدروود حیات گفت. یاد و نامش همیشه جاودان و گرامی باد.

یکی از شاهکارهای بی نظیر و استثنایی استاد مقیمی که می تواند بیانگر سبک و شیوه خاص او در خلق فضا و بیان تصویری مینیاتور مورد بررسی قرار گیرد، تابلوی معروف «حلقه درویشان» نام دارد. در این اثر بی مانند که بر اساس این بیت سعدی:

سخن معرفت از حلقه درویشان بُرس

سعدیا، شاید از این حلقه، تو در گوش کنی

ساخته و پرداخته شده، استاد تمامی نبوغ و قدرت

کمال الملک دیده و سنجیده بود و به استعدادش در مینیاتورسازی نیز اعتقاد و اطمینان داشت، هنرمند جوان را تشویق کرد که بیش از پیش به نقاشی مینیاتور بپردازد. ظرافت و پختگی آثار استاد مقیمی مایه حیرت و تعجب استاد تجویدی شده بود. از دیگر شاگردان آن کلاس عشق و معرفت مرحوم محمدعلی زاویه و استاد علی کریمی بودند که با مرحوم مقیمی، هر سه، یادگار محضر پر قدر و منزلت استاد هادی تجویدی هستند. استاد مقیمی پس از سه سال از هنرستان فارغ التحصیل شد و به سمت استاد مینیاتور در هنرستان مزبور، و بعدها در دیگر هنرستانهای وابسته به هنرهای زیبا مشغول تدریس گردید و شاگردان صاحب نامی را برای جامعه هنری پرورش داد. وی در صورت سازی (پرتره) نیز قلمی پرتوان داشت و این امر در ساخت و ساز و پرداخت چهره های مینیاتورهایش کاملاً عیان



طنابیی از چاه به در می کشد. منیژه کنار چاه نشسته و به نظاره مشغول است. مقیمی در این اثر ارزشمند، به ویژه در نمایاندن شب با ستارگان و ماه پرفروغ، نهایت ظرافت و استادی را به کار برده و منظره‌ای بدیع و چشم‌نواز ساخته است.

داستان پناهنده شدن همایون پادشاه هند به ایران، در عهد شاه طهماسب صفوی، مضمون یکی دیگر از مینیاتورهای استاد ابوطالب مقیمی است. هنرمند با الهام از این رویداد تاریخی و با بهره‌گیری از فن پرسپکتیو به ساخت و ساز این تابلو پرداخته است. شاه طهماسب در حالی که پادشاه هند را به خیمه و چادر پذیرایی راهنمایی می‌کند، در مرکز و ابتدای صحنه نمایانده شده و سپاهیان و خیمه‌گاه آنان در دورنمای تابلو به نمایش درآمده‌اند. تفاوت لباسها و فرم صورت سربازان هندی و ایرانی با ظرافت خاصی توسط هنرمند طراحی گردیده است. این اثر با تذهیب زیبایی توسط شادروان استاد عبدالله باقری تزیین شده است.

قلم و اندیشه هنری خود را به کار گرفته تا ارزنده‌ترین اثر نقاشی خویش را خلق کند. در این مینیاتور، دو گروه از عارفان و اهل معرفت به مناظره و مباحثه مشغولند. مقیمی با چیرگی و مهارت توانسته حالات و روحیات روانشناسانه افراد حاضر در صحنه را در تک تک چهره‌ها (بیست و هشت صورت) منعکس نماید و مجلسی زنده و سرشار از روح زندگی پدیدار سازد. رنگها با لطافت و گرمی جان‌بخشی بر نقشها جای گرفته‌اند. استاد در این اثر با به کارگیری پرسپکتیو، فضای معماری و نمای بسیار چشمگیر و زیبایی را طراحی کرده است و در انتهای سالن دورنمای بسیار جالبی که بیانگر قدرت استاد در منظره‌سازی است به چشم می‌خورد. این تابلو در سال ۱۳۴۸ شمسی ترسیم شده است.

دیگر اثر به یاد ماندنی مرحوم مقیمی تابلوی مینیاتوری «داستان رستم و بیژن» (بیرون آوردن بیژن از چاه توسط رستم) است که با الهام از شاهنامه فردوسی ساخته شده. این اثر که تماماً به شیوه نقطه پرداز نقاشی شده، رستم را در حالی نشان می‌دهد که بیژن را با